

به نام خدا

تلفیق روانشناسی و آموزش یکپارچه

مولفان :

نرگس سادات محور جعفری

پیمان شاه نصیری

منیژه محمدی

شهلا شعبانی

انتشارات شرفی

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : محور جعفری، نرگس سادات، ۱۳۷۶
عنوان و نام پدیدآور : تلفیق روانشناسی و آموزش یکپارچه / مولفان نرگس سادات محور جعفری، پیمان شاه نصیری، منیژه محمدی، شهلا شعبانی.
مشخصات نشر : انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۱۱۳ ص.
شابک : ۳-۷۵-۷۶۷۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : روانشناسی - آموزش یکپارچه
شناسه افزوده : شاه نصیری، پیمان، ۱۳۶۷
شناسه افزوده : محمدی، منیژه، ۱۳۶۳
شناسه افزوده : شعبانی، شهلا، ۱۳۷۰
رده بندی کنگره : PN۲۱۹۱
رده بندی دیویی : ۸۰۹/۲۴۶
شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۹۳۸۵۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : تلفیق روانشناسی و آموزش یکپارچه
مولفان : نرگس سادات محور جعفری - پیمان شاه نصیری - منیژه محمدی - شهلا شعبانی
ناشر : انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۱۴۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۳-۷۵-۷۶۷۰-۹۶۴-۹۷۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
تاریخچه پیدایش و تحول روانشناسی تربیتی	۶
تحولات جدید در روانشناسی تربیتی	۷
سابقه روانشناسی تربیتی در ایران	۷
قلمرو های روانشناسی تربیتی	۷
اهداف روان شناسی تربیتی	۸
پژوهش در روان شناسی تربیتی	۹
تفاوت پژوهش کمی و پژوهش کیفی	۱۰
مراحل انجام پژوهش در روان شناسی تربیتی	۱۱
محتوای روان شناسی تربیتی	۱۱
یادگیری چیست؟	۱۱
تاریخچه ی یادگیری	۱۳
اهمیت یادگیری	۱۴
ماهیت یادگیری	۱۵
ویژگی های یادگیری	۱۶
سبک های یادگیری	۱۷
انواع سبک های یادگیری	۱۸
نظریه های یادگیری	۳۸
عوامل موثر در یادگیری	۵۴
تفاوت بین تدریس و یادگیری	۵۷
راهبردهای مطالعه و یادگیری	۵۸
راهبردهای یادگیری	۵۹
انواع راهبردهای یادگیری	۵۹
انگیزش در یادگیری	۶۶
رویکردهای مختلف انگیزشی	۶۷
نظریه ی انگیزش پیشرفت	۷۱
نظریه ی انگیزشی نسبت دادن	۷۱
حل مسئله	۷۲
چگونه مهارت حل مسئله را به دانش آموزان آموزش دهیم؟	۷۳

۷۳	مراحل فرآیند حل مسئله
۷۴	موارد تضعیف کننده مهارت حل مسئله در دانش‌آموزان
۷۵	سوگیری اسنادی
۷۷	کاربرد آموزشی نظریه ی انگیزشی نسبت دادن
۷۸	فنون ایجاد انگیزش در یادگیرندگان
۸۱	نظریه های خودتنظیمی
۸۸	انواع هدفهای آموزشی
۹۷	طراحی آموزشی
۹۸	طراحی آموزشی و طرح درس
۹۸	ملاک های ارزیابی طرح درس
۹۹	نمای کلی از طراحی آموزشی
۱۰۰	مراحل طراحی آموزشی معلم - محور: الگوی عمومی آموزشی
۱۰۱	آماده ساختن دانش آموزان برای آغاز کردن یادگیری
۱۰۷	تعیین روش تدریس
۱۰۸	مبانی نظری روش تدریس
۱۱۱	منابع و مآخذ

مقدمه

در دهه های اخیر، پیشرفت های چشمگیر در حوزه هوش مصنوعی و یادگیری ماشین باعث شده است که مدل های آموزشی به طور گسترده ای در بسیاری از زمینه ها به کار گرفته شوند. همچنین، تحقیقات در روانشناسی به ما راهنمایی می کند تا روابط پیچیده بین افراد و رفتارهایشان را بفهمیم. در این مقاله، به بررسی امکان تلفیق نظریه های روانشناسی با مدل های آموزشی به منظور بهبود عملکرد این مدل ها می پردازیم. ابتدا، مروری بر اصول و مفاهیم اساسی روانشناسی و نظریه های مختلف آن صورت می گیرد. سپس، مدل های آموزشی معروف از جمله شبکه های عصبی عمیق، ماشین بردار پشتیبان و شبکه های توجه مورد بررسی قرار می گیرند. سپس، روش های احتمالی برای تلفیق این دو حوزه ارائه می شود. به عنوان مثال، می توان از نظریه های روانشناسی در معماری مدل ها استفاده کرده یا ویژگی های روانشناختی را به عنوان ورودی در مدل های آموزشی معرفی نمود. همچنین، امکان استفاده از روش های یادگیری تقویتی برای بهبود عملکرد مدل ها نیز بررسی می شود. با استفاده از تلفیق نظریه های روانشناسی با مدل های آموزشی، امکان دستیابی به نتایج بهتر و پویاتر در زمینه هایی مانند تشخیص بیماری های روانی، تحلیل رفتار انسانی و پیش بینی عواقب رفتارهای مختلف افراد فراهم می شود. همچنین، این تلفیق به ما کمک می کند تا روابط بین متغیرهای روانشناختی و ویژگی های موردنظر مدل ها را بهبود داده و درک عمیق تری از رفتار انسانی به دست آوریم.

تدریس در کلاس درس، یک فعالیت آگاهانه و برنامه ریزی شده است که توسط معلم در جهت نیل به اهداف خاصی طراحی و تدوین می شود. آشنایی معلمان با خصوصیات رشد و نیازهای فراگیرندگان در هر یک از دوره های تحصیلی، می تواند در پیشرفت تحصیلی و تکامل شخصیت آنها بسیار موثر باشد. برای تحقق چنین امری معلم باید از کاربرد روانشناسی تربیتی در آموزش آگاه بوده و به راحتی بتواند اصول و قواعد آن را در کلاس اجرا کند. روانشناسی تربیتی شاخه ای از روان شناسی است که چگونگی کاربرد اصول و

یافته های روانشناسی را در موقعیت های آموزش و پرورشی بررسی می کند. برخی روان شناسی تربیتی را یکی از شاخه های روانشناسی که به مطالعه ویژگی های یادگیرنده، شرایط یادگیری و روش های آموزشی می پردازد تعریف می کنند برخی نیز روانشناسی تربیتی را نظام علمی - کاربردی، پژوهشی - خدماتی با هدف توسعه دانش و مهارت های تخصصی در زمینه های تربیتی تعریف کرده اند. در مجموع می توان گفت روانشناسی تربیتی، علمی است که به ماهیت و چگونگی یادگیری، روش های آموزشی، سنجش و ارزشیابی آموخته های یادگیرندگان می پردازد. این علم با به کارگیری معلومات حاصل از موضوعات و میدان های مورد مطالعه علوم دیگر، معلومات دیگری به وجود می آورد که در زمینه آموزش و مسائل آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. روانشناس تربیتی با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش آموزان با آن ها کار می کند و با ارائه راهکارهای کلیدی برای غلبه بر چالش ها و بهبود عملکرد بچه ها، به آن ها کمک می کند تا از حداکثر توانمندی های خود شان استفاده نمایند. آموزش هایی که توسط روانشناسان تربیتی به دانش آموزان داده می شود فراتر از درس، کلاس و مدرسه است، زیرا به جنبه های دیگر زندگی روزمره آن ها مانند ایجاد انعطاف پذیری، داشتن اعتماد به نفس، بهره مندی از عزت نفس، مدیریت استرس و ... کمک می کند. به طور خلاصه می توان گفت که روانشناسان تربیتی با دانش آموزان کار می کنند تا در درجه اول متوجه شوند که چگونه اطلاعات را یاد می گیرند و آن ها را پردازش می کنند تا بتوانند روش هایی برای بهبود عملکرد ارائه دهند و در درجه بعدی با توجه به مسائل عاطفی، رفتاری، انگیزه و ... نقش آن ها را در یادگیری مورد بررسی قرار می دهند.

تاریخچه پیدایش و تحول روانشناسی تربیتی

آغاز روانشناسی تربیتی را باید بین سال های ۱۸۸۰ و ۱۹۰۰ دانست. در این دو دهه است که تحقیقات تجربی در مورد خصوصیات انسان و قدرت های ذهنی او شروع گردید. این تحقیقات به سه دسته اندازه گیری، روان شناسی کودک و یادگیری تقسیم می شوند. شاخه روان شناسی تربیتی را چندین نفر از پیشگامان روان شناسی، قبل از شروع قرن بیستم بنیان نهادند. صاحب نظرانی که در پیدایش روانشناسی تربیتی نقش زیاد داشته اند عبارتند از: گزل، مک دوگال - گلفارب، جان بالبی و استنلی هال. در قرن بیستم الفرد بینه و همکارانش سیمون آزمون هوش تدوین نمودند و این به شناسایی کودکان کم هوش و آموزش آنان کمک زیادی نمود. اما علل کم هوشی مشخص نبود.

پیشرفت های روانشناسی تربیتی در سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰. در این دوره نظریه جان دیوئی آمریکایی که توجه به روش علمی بود مطرح شد و مطالعه مربوط به یادگیری را رونق بخشید و تأکید بر این بود که انسان باید در جریان یادگیری فعال باشد. نظریه روان پویایی فروید هم در این زمان مطرح شد.

تحولات جدید در روانشناسی تربیتی

در سال های ۱۹۷۰-۱۹۵۰ تأکید بر کودک محوری بود. روان شناسی شناخت پیאژه و نظریه شخصیت اریکسون و مشاوره راجرز و فناوری آموزشی اسکینر در این زمان روی کار آمد. یافته های هارلو در دل بستگی اولیه، یافته های گیلفورد در خلاقیت و تحقیقات کالبرگ در رشد شناختی و یادگیری اجتماعی بندورا هم باعث دگرگونی روان شناسی تربیتی شد. توراندایک باعث شد که روانشناسی تربیتی به عنوان یک رشته علمی و درسی دانشگاه مطرح شود. او در زمینه یادگیری تحقیقات نمود. پژوهش های سال های اخیر، حوزه های گسترده روانشناسی تربیتی از جمله انگیزش، یادگیری، آموزش، تدریس و مسایل مرتبط با آنها را مورد بررسی قرار داده اند اما در سال های اخیر بیشتر پژوهش ها به سمت انگیزش، مولفه ها و ابعاد مختلف نظری و کاربردی آن سوق یافته است.

سابقه روانشناسی تربیتی در ایران

در ایران هم در سال ۱۳۱۶ محمد معین کتاب روانشناسی تربیتی تألیف علی الجازم و مصطفی امین را ترجمه نمود و بعد هم علی اکبر سیاسی هم کتاب علم النفس را تألیف کرد. پس از آن کتب بسیاری در این زمینه به رشته تحریر در آمد که از مهم ترین آنها می توان به روانشناسی تربیتی نوشته دکتر پروین کدیور و مهم منبع روانشناسی تربیتی در سالهای اخیر یعنی کتاب روانشناسی پرورشی نوین تألیف دکتر علی اکبر سیف اشاره نمود.

قلمرو های روانشناسی تربیتی

روان شناسی تربیتی از حیث تخصصی و حرفه ای شامل قلمروهای زیر می شود: یادگیری (نظریه ها، مفاهیم کلی، راهبردهای یادگیری، پیشرفت تحصیلی، اختلالهای

یادگیری و روشهای مداخله ای برای رفع آن ها) شناخت و فرا شناخت (مبانی نظری شناخت و فراشناخت، راهبردها) هوش، استعداد و خلاقیت (مبانی نظری هوش، تفکر، استعداد و خلاقیت، تشخیص و پرورش آنها) رشد و تحول آموزش و پرورش (مکاتب و نظریه ها، طراحی و روش ها) تغییر و اصلاح رفتار (مکاتب و نظریه ها، اختلال های رفتاری، آموزش مهارت های زندگی، فرزندپروری) نگرش و انگیزش (راهبردهای تغییر نگرش ها و روش های ایجاد انگیزش) اندازه گیری و ارزشیابی آموزش والدین و مربیان (آموزش خانواده و تربیت معلم) به طور خلاصه می توان موضوعات پایه ها یا ارکان اصلی روان شناسی تربیتی را در هفت محور زیر مورد توجه قرار داد:

- قوانین و عوامل مؤثر در فرایند یادگیری
- ویژگی های یادگیرنده یا تربیت شونده
- موضوع یادگیری یا پیام متنی
- موقعیت یادگیری یا شرایط انتقال پیام
- روش های تعلیم و تربیت
- ویژگی های مربی
- ارزیابی و ارزش سنجی

اهداف روان شناسی تربیتی

روان شناسی تربیتی، بیشتر حاصل جمع دو علم روان شناسی و تربیت است. شناختی که از روان شناسی به دست می آید در فعالیتهای کلاس درس و مدرسه مورد استفاده قرار می گیرد. این علم، یک علم پیچیده است و در دین، فلسفه و روان شناسی محض که شامل مطالعات آزمایشگاهی روی حیوانات است، ریشه دارد. از آنچه ذکر شد، می توان هدف های ویژه روان شناسی تربیتی را به اختصار این گونه بیان نمود:

الف. فراهم کردن اطلاعات و شناخت های عملی یا کاربردی بینش در معنای کامل اصول روان شناسی تربیتی (شناخت، آگاهی و فهمیدن)، نه برای حفظ کردن یا به خاطر سپردن، بلکه به عنوان ابزاری که در آموزش و پرورش موثر، مورد استفاده قرار می گیرد. شناخت جنبه های مختلف رشد و تکامل و اثرهای محیطی آن. آشنایی با مفاهیم فنی برای کسب

توانایی شناخت ادبیات شغلی، به منظور برقراری ارتباط با همکاران و درک بهتر مسائل حرفه‌ای در معلمی.

ب. مهارت‌ها و توانش‌ها مهارت در انتخاب، ساختن و کاربرد وسایل و فنون خاص ارزشیابی درسی و رشدی محصلان. توانایی هماهنگ ساختن کوشش‌های مدرسه با اصول رشد و تکامل محصلان. توانایی برانگیختن محصلان به حداکثر تلاش در رسیدن به هدف‌های مطلوب.

ج. ایجاد گرایش‌ها، رغبت‌ها و درک (ارج‌گذاری) شناخت محصل به عنوان یک ارگانیزم در حال رشد و تکامل، شناختن و درک ارزش و مقام او و اعتقاد نامحدود به اینکه محصل می‌تواند، رشد کند. یک ذهن باز و انتقادی نسبت به روش‌شناسی و درک نقش تحقیق در اصلاح آموزش و پرورش. رغبت فزاینده در روان‌شناسی یادگیرنده و کاربرد آن در کلاس. هدف غایی روان‌شناسی تربیتی عبارت است از، توانا ساختن معلم در کاربرد مفاهیم و اصول روان‌شناختی در اصلاح عمل آموزش و پرورش.

پژوهش در روان‌شناسی تربیتی

پژوهش در این رشته علمی روی فرایندهایی که اطلاعات، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها به وسیله آنها بین آموزگاران و دانش‌آموزان در کلاس انتقال می‌یابند و بر کاربردهای اصول روان‌شناسی در کاربست‌های آموزشی تاکید دارد. این پژوهش‌ها، به خط مشی‌های آموزشی، برنامه‌های توسعه حرفه‌ای و مواد آموزشی شکل می‌دهد. تحقیق علمی، عینی، منظم و آزمون‌پذیر است. این ویژگی‌ها احتمال اینکه تحقیق براساس باورها، عقاید و احساسات شخصی مبتنی باشد را کاهش می‌دهد. روش علمی، شامل مراحل از قبیل مفهوم‌سازی مساله، جمع‌آوری داده‌ها، استخراج نتایج و بازبینی پژوهش و نظریه می‌باشد.

روش‌های پژوهش در روان‌شناسی پرورشی شامل دو دسته می‌باشند:

۱- پژوهش‌های کمی: عمده‌ترین روش‌های پژوهش کمی، روش همبستگی و روش آزمایشی هستند. از آن جا به این دو روش کمی می‌گویند که در آن‌ها به متغیرهای مورد مطالعه ارزش عددی داده می‌شود تا از لحاظ آماری تحلیل‌پذیر شوند، فلسفه زیربنای روش‌های پژوهش کمی، اثبات‌گرایی است.

۲- پژوهش‌های کیفی: عمده‌ترین روش‌های پژوهش کیفی از این قرارند: موردپژوهشی، بررسی میدانی، قوم‌نگاری (مردم‌شناسی) و زمینه‌یابی. در پژوهش‌های کیفی معمولاً از فنون مشاهده، مصاحبه و بررسی خاطرات استفاده می‌گردد. اطلاعات به‌دست آمده با این روش‌ها، عمدتاً جنبه کلامی دارند نه عددی. همچنین در این روش‌ها، به جای تأکید بر نتایج یا فرآورده‌های یک فعالیت، بیشتر فرآیندهای آن فعالیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد، فلسفه زیربنای روش‌های پژوهش کیفی، پس‌اثبات‌گرایی است.

تفاوت پژوهش کمی و پژوهش کیفی

همان‌طور که گفتیم، پژوهش کمی از کمیت اطلاعات و اعداد و ارقام صحبت می‌کند، در حالی که پژوهش کیفی پیوسته و درباره توصیفات و مشاهدات بحث می‌کند و بدیهی است این مفاهیم قابل اندازه‌گیری نیستند. بنابراین، با وجود اشتراکات در اهداف کلی و کاربردهای‌شان در پژوهش کمی و کیفی، این دو روش با هم تفاوت‌های ذاتی دارند. به عبارت دیگر، هر دو به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازند، اما تحقیقات کمی، عددمحور و تحقیقات کیفی، توصیف‌محورند.

در پژوهش کمی داده‌ها به شکل عدد، آمار و تحلیل آن‌هاست، اما در پژوهش کیفی داده‌ها به صورت محتواهایی متغیر مانند فیلم و عکس، اسناد، مصاحبه‌ها، مشاهدات و... است و بر مبنای تعاملات انسانی، دانش، رفتار، احساسات، تجربه و نظر افراد، مکاتبات و نیز آنالیز اسناد به دست آمده است. پژوهشگر کمی به کمک استدلال قیاسی با داده‌های عددی به توضیح و پیش‌بینی پدیده‌ها می‌پردازد، اما پژوهشگر کیفی با داده‌های روایی از استدلال استقرایی برای توضیح و درک پدیده‌ها استفاده می‌کند.

پژوهش کیفی زمانبر و گران‌تر است و اغلب در جامعه آماری محدودتری اجرا می‌شود، اما پژوهش کمی به دلیل سرعت بیشتر (به‌ویژه در مواردی که از نرم‌افزارهای تخصصی استفاده می‌شود) به‌صرفه‌تر است. ضمن این‌که آنالیز و تفسیر اطلاعات جمع‌آوری‌شده در پژوهش کیفی سخت‌تر است و تخصص و دقت بیشتری لازم دارد، چراکه این نوع پژوهش بیشتر برای توصیف یک موضوع و به دست آوردن اطلاعات دقیق و جزئی درباره نگرش و انگیزه افراد است و در پی رسیدن به درکی عمیق از پرسش‌های پژوهش است.

در بحث اعتبار و اعتماد به نتایج پژوهش کیفی نیز یک ایراد کلی وارد است؛ داده‌های کیفی ماهیت ذهنی دارند و محقق نقش محوری در تولید اطلاعات ایفا می‌کند، به

همین دلیل تکرار مطالعات کیفی تقریباً غیرممکن است و نمی‌توان از استانداردهای متعارف اعتبارسنجی برای آن‌ها استفاده کرد و در نتیجه، تعمیم نتایج قابل اعتماد نیست و طبیعی است که ابهاماتی به همراه داشته باشد. اما در پژوهش کمی رویکرد عینی و منطقی وجود دارد و آمار بر اصول ریاضی مبتنی است و با آنالیز آماری به راحتی می‌توان داده‌های کمی را تفسیر کرد و امکان تکرار و بررسی آن توسط سایر افراد وجود دارد و نقطه مبهمی در این روش نیست.

قابل ذکر است که به رغم تفاوت پژوهش کمی و پژوهش کیفی می‌توان همزمان از هر دو روش در تحقیقات علمی استفاده کرد و بسیاری از محققان از روش تحقیق ترکیبی برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر و کامل‌تر بهره می‌برند.

مراحل انجام پژوهش در روان‌شناسی تربیتی

طرح سؤال، بیان فرضیه، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها و وضع قوانین و نظریه‌هاست. بنابراین هدف نهایی علم، کشف و وضع قوانین و نظریه‌های علمی است.

محتوای روان‌شناسی تربیتی

دانش روان‌شناسی تربیتی، دارای اهمیت اساسی در حل مسائل تدریس و تربیت است. این علم یک رشته علمی مشخصی است که دارای نظریه‌های مخصوص به خود، روش‌های پژوهش، مسائل و فنون خاص خویش است. این علم دارای پنج وظیفه اساسی است که عبارتند از: انتخاب هدف‌های تدریس و تربیت، شناخت ویژگی‌های شاگرد، شناختن و به کار بردن نظریه‌های مربوط به فرایند یادگیری و رشد، انتخاب و به کارگیری روش‌های تدریس و تربیت و ارزشیابی یادگیری و رشد شاگردان.

یادگیری چیست؟

تعریف‌های گوناگونی که درباره یادگیری انجام گرفته نشان می‌دهند که هنوز تعریف جامع و یک دستی که برای همه روان‌شناسان با نظریه‌های مختلف پذیرفتنی باشد به دست نیامده است. اما بسیاری از روان‌شناسان و پرورشکاران معتقدند که « یادگیری تغییری است که بر اثر تجربه یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید می‌آید ». در این تعریف مهمترین واژه‌ای که نظر را به خود جلب می‌کند واژه تغییر است. زیرا رفتار فرد در زمانی که چیزی نیاموخته با زمانی که آن چیز را، آموخته است تفاوت دارد. واژه مهم